مصاحبه مسئول کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

پس از دیدار با مقامات فدراسیون سندیکایی جهانی

س - آقای حسین نظری با تشکر از این که پذیرفتید وقتی را برای این مصاحبه در اختیار ما قرار دهید اخیرا هیاتی از جانب کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران برای ملاقات با مناسبات فدراسیون سندیکای جهانی FSF به پراگ رفته بود. می‌خواستم بدانم هدف از سفر این هیئت چه بود؟

ج - با تشکر از نشریه کار به خاطر این مصاحبه. کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران از مدتی بعد از تشکیل شورای متحده مرکزی تاکنون عضو فدراسیون سندیکایی جهانی بوده است بنابراین همواره و به مناسبت‌های گوناگون ما با یکدیگر ملاقات و گفتگو می‌کنیم. البته این بار ما می‌خواستیم علاوه بر مسائل همیشگی در باره سفر دو نفر از مسئولین فدراسیون سندیکایی جهانی به تهران هم گفتگو کنیم. ما در این ملاقات گفتگوهای خوبی با هم داشتیم و در باره تمام مسائل فی‌مابین از جمله عملت و نتیجه سفر دو نفر از مسئولین فدراسیون صحبت کردیم و آن‌ها در این مورد ما را مطلع کردند و ما نیز نظرات خودمان را با آن‌ها در میان نهادیم.

س - لطفا اگر مایلید کمی بیشتر در این باره صحبت کنید؟

ج - سئوال مشخصی بفرمایید من پاسخ می‌دهم.

س - می‌توانید توضیح دهید که سفر هیات به تهران به چه منظوری و به دعوت چه کسانی بوده است؟

ج - سفر به دعوت خانه کارگر بوده است. علت مخالفت ما با این سفر این بود که چرا آن‌ها بدون مشورت با ما که عضو فدراسیون هستیم به تهران سفر کرده و با کسانی ملاقات کرده‌اند که نماینده واقعی کارگران ایران نیستند. البته تلاش خانه کارگر برای پوستن به فدراسیون ۹ سال پیش آغاز شد. رژیم تلاش کرده است تا خانه کارگر را به عضویت فدراسیون سندیکایی درآورد. ۹ سال پیش در کنگره فدراسیون خانه کارگر تقاضای عضویت کرد. خانه کارگر در آن کنگره که در نوامبر سال ۹۴ برگزار شد سعی و کوشش زیادی کرد که خود را فریب‌کارانه نماینده و مدافع منافع و حقوق کارگران ایران جلوه دهد. اما هیئت کمیسیون ارتباط سندیکایی اعزامی که عضو رسمی فدراسیون است با افشاگری در مورد ماهیت و عملکرد خانه کارگر توانست مانع پذیرش این تشکل دولتی که بیشتر نماینده ولایت فقیه است تا کارگران گردد. من در آن کنگره گفتم که در ایران آزادی فعالیت سندیکایی وجود ندارد و سندیکاهای مستقل را دولت به رسمیت نشناخته است. شوراهای اسلامی تشکل‌هایی هستند کارگری کارفرمایی و تحت کنترل و نظارت دولت و نیز مطرح کردم که دولت ایران مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را نپذیرفته و رعایت نمی‌کند. همچنین شش سال پیش بیشتر کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران شکایت‌نامه‌ای را بر علیه خانه کارگر مطرح کرد و فدراسیون سندیکایی قول داد که از این شکایت پشتیبانی کند. الان هم با توجه به این که کنگره فدراسیون با اکثریت بسیار زیادی تقاضای عضویت خانه کارگر را رد کرده است. تنها امکان عضوشدن خانه کارگر در کنگره آینده است که من تصور نمی‌کنم این بار هم تلاش‌های آن‌ها به جایی برسد. به هر حال کمیسیون ارتباطات سندیکایی با تمام توان با تقاضای عضویت خانه کارگر به فدراسیون مخالفت خواهد کرد.

س - آیا مسئولین فدراسیون از ماهیت خانه کارگر مطلع نیستند؟ اگر هستند دلیل ملاقات آن‌ها با مسئولین خانه کارگر چیست؟

ج - چرا مطلع هستند. در فدراسیون سندیکایی جهانی سازمان‌های سندیکایی متفاوت و با گرایش‌های گوناگون عضو هستند. مثلا برخی از رهبران اتحادیه‌های کارگری کشورهای عرب مانند سوریه از پیوستن خانه کارگر حمایت می‌کنند که من در این‌جا فعلا نمی‌خواهم به ماهیت این گونه روابط و مناسبات بپردازم. اما به هر حال در ملاقات ما آن‌ها تاکید کردند که همچنان کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران را به عنوان عضو تایید می‌کنند و سفر به تهران تنها به منظور آشنایی با آن‌ها بوده است. هیئت ما نیز در این ملاقات در باره عواقب منفی ارتباط مسئولین فدراسیون با تشکل‌های مثل خانه کارگر و تاثیر منفی آن در میان کارگران و فعالین سندیکایی آن‌ها را مطلع کرد به طوری که در پایان بین ما تفاهم کامل حاصل شد.

س - در مورد شکایت کمیسیون از خانه کارگر و نقض حقوق سندیکایی در ایران نتیجه چه شد؟

ج - آن‌ها قول حمایت دادند و گفتند که نماینده آن‌ها در سازمان بین‌المللی کار در این باره با ما همکاری خواهد کرد.

س - همان‌طور که می‌دانید اخیرا نامه‌ای با امضا گروهی از نمایندگان جنبش سندیکاهای نفت نامه‌ای خطاب به هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار که از ایران دیدن کرده بود نوشتند و بخصوص در این نامه از این هیئت خواسته‌اند که از آن‌ها برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل و غیر ایدئولوژیک حمایت شود. آیا شما این نامه را خوانده‌اید؟

ج - بله نامه بسیار خوبی بود و موارد درستی در آن وجود داشت که نظر ما هم هست. مخالفت ما با خانه کارگر در طول تمام این سال‌ها به خاطر چیزهایی بوده است که در مخالفت ما با خانه کارگر هم در طول تمام این سال‌ها همان چیزهایی بوده است که در نامه نفتگران نیز در مورد آن‌ها صحبت شده است. بنابراین من از نوشتن و انتشار این نامه خوشحالم زیرا که تایدی است بر مخالفت ما با این گونه تشکل‌ها شما خودتان حتما به یاد دارید که ۹ سال پیش وقتی که من با شما در باره خانه کارگر صحبت می‌کردم عده‌ای چقدر ما را سرزنش و نصیحت می‌کردند من خوشحالم که امروز می‌بینم آش آن‌قدر شور شده که صدای آشپز هم درآمده و روزنامه هم‌شهری می‌نویسد که خانه کارگر یک مشکل دولتی است. این حقانیت مبارزه و نظر ما را اثبات می‌کند.

اطلاعیه کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از درخواست گروهی از نمایندگان صنعت نفت حمایت می‌کنیم.

گروهی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت با ارسال دادخواست‌نامه‌ای به هیئت ویژه اعزامی سازمان بین‌المللی کار ILO که در تاریخ ۱۶ دی‌ماه منتشر گردیده است، با بیان نظرات خود نسبت به گزارش تهیه شده به وسیله ILO، ضمن درخواست از نمایندگان ILO مبنی بر مسائلت از دخالت نیروهای غیرکارگری در تشکیل اتحادیه‌های کارکنان نفت بخشی از مهم‌ترین خواسته‌ها و نظرات جنبش مستقل سندیکایی زحمتکشان ایران را نیز بیان کرده‌اند. نمایندگان امضاکننده این دادخواست در قسمت دیگری از نامه خود با ایدئولوژیک‌خواندن خانه‌کارگر مخالفت خود با این گونه تشکل‌ها را اعلام نموده و خواهان حذف آن موادی از قانون کار شده‌اند که حقوق سندیکایی کارگران را نفی می‌کند.

سیاست سازمان ما در رابطه با جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران از سال‌ها پیش تاکنون دفاع از استقلال سندیکاهای کارگری از دولت، کارفرمایان، و احزاب سیاسی بوده است. این سیاست تاکنون راهنمای عمل ما در برخورد با جنبش سندیکایی بوده است.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت باتوجه به این که نامه گروهی از نمایندگان سابق کارگران و کارکنان نفت بخشی از خواسته‌ها و دیدگاه غالب جنبش سندیکایی کارگری مستقل ایران را بازتاب می‌دهد ضمن حمایت از آن‌ها همه احزاب، سازمان‌ها و انجمن‌های دمکرات و عدالت‌خواه را برای کمک به عملی‌کردن این خواسته‌ها به حمایت از آن‌ها دعوت می‌کند.

ما همچنین از کلیه سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های دمکرات و عدالت‌خواه دعوت می‌کنیم که تعرض دولت و کارفرمایان به حقوق کارگران را محکوم و به مخالفت و مقابله با آن برخیزند.

کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۰دی ماه ۸۱

ما محکوم می‌کنیم!

کارگران و احزاب را به‌مخالفت ومقاومت‌دعوت‌می‌کنیم

سرانجام همان‌گونه که انتظار می‌رفت دولت و مجلس ششم با هماهنگی شکل‌های کارگری دولتی و در غیاب تشکل‌های سندیکایی مستقل با برداشتن گام بلند دیگری بخش بزرگ دیگری از کارگران و کارکنان شاغل در کارگاه‌های زیر ۱۵ نفر را از شمول قانون کار حذف کردند. بدین ترتیب سیاست‌های کارگرستیزانه و گام به گام دولت که با حذف کارگران کارگاه‌های دارای تا پنج نفر شاغل از شمول قانون کار آغاز شده بود، پس از حذف کارگران قالی‌باف و تصویب لوایح بازسازی منابع و صنایع نساجی ادامه یافته بود با تصویب حذف کارگاه‌های زیر ده نفر شاغل به مراحل آخرین حداکثر ۷ درصد از کل کارگران ایران تحت پوشش قانون کار ناقص موجود که آن هم در معرض تهدید است قرار دارند. سیاست دولت و کل حاکمیت در اصل حذف قانون کار بوده است.

مخالفت شدید کارگران با حذف قانون کار که تحت عنوان تعدیل و اصلاح قانون کار پیش برده می‌شد باعث گردیدکه دولت و حکومت به جای حذف قانون کار، کارگران را از شمولیت قانون کار حذف کند!

تاکتیک دولت برای پیشبرد این سیاست استفاده از روش گام به گام توام با نظرافکنی در بین کارگران بوده است. حتی در این سیاست احتمال عقب‌نشینی گام به گام در صورت واکنش شدید و غیرقابل کنترل کارگران نیز بسیار ماهرانه در نظر گرفته شده، و دولت همی کارفرمایان و طراحان این گونه طرح‌ها در صورت مخالفت شدید کارگران می‌توانند گام به گام و به آن صورتی که پیش آمده‌اند عقب‌نشینی کنند. بنابراین جنبش کارگری اگر بخواهد به مقابله با این سیاست برخیزد باید نه تنها خواستار تمام آن چیزهایی که از دست داده شود، بلکه باید گام‌های بیشتری فراتر رود. قابل پیش‌بینی است که‌گام بعدی دولت و کارفرمایان حذف مواد مثبت باقی‌مانده در قانون کار فعلی است. اگر دولت موفق به این کار شود پروژه قانون کارزدایی این آرزوی دیرین حکومت، کارفرمایان و اتاق بازرگانی که احمد توکلی به دلیل وجود تشکل‌های کارگری نتوانست آن را عملی کند، به طور کامل اجرا خواهد شد. این سیاست ادامه سیاست‌های کارگرستیزانه رژیم و در تطابق کامل با سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی و ضد مبهنی رژیم و در جهت حمایت یک‌جانبه علنی و آشکار از صاحبان کار و سرمایه است. این موضوع یک بار دیگر از یک سر ماهیت ارتجاعی و ناتوانی تشکل‌های کارگری دولتی را افشا و در معرض قضاوت کارگران قرارداد و از سوی دیگر ضعف عمده جنبش کارگری که نداشتن تشکل‌های مستقل آزاد و علنی سندیکایی است، زیرا اگر کارگران و زحمتکشان از شکل‌های مستقل دمکراتیک بهره‌مند بودند رژیم هرگز موفق نمی‌شد تا این اندازه سیاست‌های ضدکارگری و ضدمبهنی خود را به پیش ببرد.

ما ضمن محکوم‌کردن تصمیم دولت مبنی بر حذف کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کار خواهان لغو این تصمیم هستیم: ما همه کارگران مزدبگیران، بخصوص کارگران و کارکنان مشمول این قانون را به مخالفت و مقابله با این تصمیم دعوت می‌کنیم.

فریبر رئیس‌دانا:

با تحقق صحبت‌های وزیر، نود درصد کارگران از زیر پوشش قانون کار خارج می‌شوند

دکتر فریبرز رییس‌دانا در گفتگو با خبرنگار صنفی - کارگری خبرگزاری دانشجویان ایران با انتقاد شدید از روند تغییرات قانون کار گفت: طرح خروج کارگاههای دارای کمتر از پنج کارگر را اتاق بازرگانی در اسفندماه ۱۳۷۸ به مجلس فرستاد و اکنون وزیر محترم، این امر را از افتخارات خود می‌شمارد؛ در حالی که با این مصوبه ۴۰۰ هزار نفر از نیروی کار فعال کشور به بیکاری کشانده شدند و اکنون هم که قصد دارند کارگاههای زیر ۱۰ نفر را از شمول قانون کار خارج کنند، بدین ترتیب عملا ۹۰ درصد کارگران از شمول قانون کار خارج می‌کنند.

وی افزود: با این تبعیضی که بین کارگران پیش می‌آید، بهتر است یکباره همه کارگران را می‌توانست قانون کار خارج کنند. این‌گونه تغییراتی که با توجیه افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش اشتغال صورت می‌گیرد، هیچ تاثیری در بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و اشتغال ندارد.

رئیس دانا تاکید کرد: وجود قانون کار مانع سرمایه‌گذاری نبوده، بلکه ساختار سرمایه‌داری اقتصاد ایران و سیاستهای تعدیل ساختاری چنین عمل می‌کنند. اقتصاد بیمار ایران با این مسکن‌ها نه‌تنها بهبود نمی‌یابد، بلکه تخدیر می‌شود و بدین ترتیب بیمارتر می‌گردد. اقتصاد بیمار ما از سیاست تعدیل ساختاری و عدم مهار عناصر اخلال‌آفرین و نبود سیاستهای تثبیتی رنج می‌برد.

رییس‌دانا طرح ضربتی اشتغال و شکستن پی‌درپی قانون کار را باعث برخوردهای سلیقه‌ای و به وجود آمدن فرصتهای فرار سرمایه و مسئولیت‌گریزی صاحبان سرمایه دانست و گفت: سه‌جانبه‌گرایی که وزارت کار به آن اشاره می‌کند، به منزله کمک برای تثبیت دستمزد و ایجاد اشتغال بوده است، نه اینکه نماینده دولت به نفع کارفرما دخالت کرده و باعث بحران در اقتصاد کشور شود.

او خواستار پیگیری کمیسیون مسئول امور کار مجلس در مورد صحبت اخیر وزیر کار مبنی بر خروج کارگاههای کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار و پاسخگویی وزیر کار به مجلس شد.

وی با تاکیدبر احیای مجدد انجمنهای مستقل صنوف مختلف در کنار تجربیات و سابقه کانون عالی شورای اسلامی کار و سایر تشکلهای کارگری به عنوان نماینده همه کارگران اضافه کرد: اگر نیاز به تغییر در قانون کار نیز باشد، باید با حضور نمایندگان واقعی کارگران و کارفرمایان در محیطی فارغ از جنجالهای سیاسی صورت بپذیرد.

یادداشت‌هایی در باره مقاله نجات ما در اتحاد ماست

ادامه از صفحه ۹

تکنولوژی عقب‌مانده و خطرناک به ایران قالب می‌کند و دلارهای دریافتی ایران را به آمریکا می‌فرستد تا شاید تکنولوژی پیشرفته آمریکا را بدست آورد.

منافع مشترک ـ مثال‌ها!

ناچارم مثالهای دیگری برای ادعایی که در بالا مطرح شد بیاورم. تا نشان دهم که چگونه منافع شرکت‌های چندملیتی نفت و گاز می‌توانست در انطباق با منافع و امنیت ملی ایران قرار گیرد!

ـ صنایع نفت ایران بعلت عدم سرمایه‌گذاری و کهنگی تکنولوژی آن، در حال پوسیدگی قرار گرفته اگر این وضعیت ادامه یابد، ایران تا ۲۰۱۲ به یک کشور واردکننده نفت تبدیل خواهد شد.

ـ می‌دانیم که مسیر ایران ارز ان‌ترین مسیر برای شرکت‌های نفتی فراملیتی بود. اما به دلیل حاکم‌بودن بنیادگرای اسلامی بر ایران، مسیر ترکیه انتخاب شد که بابت هر بشکه یک و نیم دلار ترکیه و نیم دلار گرجستان حق ترانزیت می‌گیرند و ۳ میلیارد دلار صرف هزینه احداث لوله‌ها شد. در حالی که این شرکت‌ها می‌توانستند بدون ایجاد خط لوله، نفت و گاز را در شمال ایران تحویل داده و به همان میزان در جنوب تحویل کشتی‌های نفت‌کش گردد.

ـ بر طبق قراردادهای مابین ایران و اتحاد شوروی سابق، منابع دریا خزر ۵۰ به ۵۰ بود. چنین قراردادی هم مابین شورویها و ترکیه در مورد دریای سیاه وجود داشت.

بعد از فروپاشی، روسیه و ۲ جمهوری تازه استقلال‌یافته طرح کردند که بایستی حوزه حقوقی دریای سیاه مجددا تقسیم شود که دولت ترکیه به آنها گفت این مشکل شماست، شما آن ۵۰ درصد خودتان را بین خود تقسیم کنید. و چون ترکیه عضو ناتو بود و غرب او پشت سر خود داشت، روسیه حرف خود را پس گرفت و موضوع تقسیم را بین خود حل کردند.

ـ حال اگر دولت ایران می‌توانست شرکت‌های فراملیتی را راغب می‌کرد که مسیر لوله‌ها را از ایران بگذرانند. این شرکت‌ها طبعا به دلیل اشتراک منافع، از ایران در دعوای حقوقی دفاع می‌نمودند. و روسیه جرات نمی‌کرد با مانور نظامی، ایران را بترساند و حق مسلم ایران را بالا بکشد و آب از آب هم تکان نخورد و صدای اعتراضی هم از دل اپوزیسیون هم برنیامد.

این مثال‌ها را به این خاطر زدم که بگویم در شرایط فعلی چگونه منافع شرکت‌های چند ملیتی می‌توانند با منافع ملی کشورها منطبق شوند.

زیرنویس‌ها:

۱ ـ به نقل از مقاله نجات ما در انتخاب ماست از آقای حسن بهگر

۲ ـ حدودا ۸ سال پیش در نامه‌ای سرگشاده به رهبری یک سازمان چپ چنین ایده‌ای را طرح کردم که به دلایلی آن نامه چاپ نشد.

۳ ـ اشاره به مقاله آقای حسن بهگر

۴ ـ به نقل از مقاله بالا

۵ ـ اطلاات در مورد هند از گفتار اینترنتی (پال تاک) آقای سعید شرویتی اخذ شد.

۶ ـ اسناد تاریخی نشان می‌دهد که بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، شخص استالین نقشه جدایی آذربایجان ایران را کشید. باقروف رهبر حزب کمونیست آذربایجان شوروی سناریو آن را ساخت و جعفر پیشه‌وری آنرا اجرا کرد. این دولت آمریکا بود که در دفاع از تمامیت ارضی ایران، شوروی را تهدید اتمی کرد که استالین دستور عقب‌نشینی به ارتش سرخ را داد. و ایران از خطر تجزیه رهایی یافت.

انتشار شماره جدید نگرش

شماره ۴ نشریه نگرش انتشار یافت. در این شماره بخشی از مطالب به طبقه کارگر و زحمتکشان اختصاص یافته است:

- کالبدشکافی ملزم «طبقه کارگر» در ایران، نوشته ح. محمود
- تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها امری است ضرور، نوشته ح. محمود
- منتفی‌شدن و پیدایش طبقه کارگر - آغاز جنبش سندیکایی در میانه سده ۱۹، نوشته ح. محمود
- چرا زحمتکشان، هیئت نگارندگان «نگرش»

بخش دیگر مطالب عبارتند از:

- چرا روابط سیاسی میان ایران و آمریکا برقرار نمی‌شود، ک. سپهر
- چرا بررسی مسایل جنگ ایران و عراق فراسوی «خط قرمز» قرار دارد؟ حمید احمدی
- برخی ملاحظه‌های راهبری در مورد رخداد ۱۱ سپتامبر، عیسی پهلوان - آرش برومند
- نگاهی به اسناد سری شوروی در رابطه با جنگ افغانستان، آرش برومند
- حکومت اندیشه‌ستیز دینی و پدیده «فرار مغزها»، ا. بزرگمهر

چند مطلب نیز از منابع دیگر ترجمه شده است. ترجمه این مطالب ب. کیوان و عطاردات.

شماره ۴ نشریه نگرش همانند شماره‌های قبلی پربار و حاوی مقالات خواندنی است. موفقیت دست‌اندرکاران این نشریه را آرزومندیم.

نشانی پست الکترونیک نشریه نگرش

eitorial @ negaresh.de

نشانی در اینترنت:

http://www.negareh.de